شهریور ماه ۱۳۴۶ — دورهٔ ششم، شماره سی ام

ماهنامهٔ

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

سده پر افتخار «کاپیتال»

اثر داهیانه کارل مارکس

یکصدمین از انتشار نخستین جلد «کاپیتال» میگذرد . صد ها میلیون روزندگان راه اندیشه های علمی ملهم از بالاترین عواطف انسانی آغاز دومین سده زندگی «کاپیتال» را باشکوه تمام برگزار میکنند .

«کاپیتال» عمده ترین اثر و نبوغ درخشان مارکس و مهمترین سرچشمه فیاض مارکسیسم است. ارزیابی خلاق آثار اسمیت و ریکاردو ، بررسی نقاد نوشته های سرکاش لیستها و فیزیوکراتها ، همراه با پژوهش کوهی از ارقام و واقعیات ، بیداری فلسفه مادی و دست افزاری اسلوب دیالکتیک ، مارکس را بچنان قله ای از تعقل علمی رساندند تا بتواند با دیدی جهانشمول و اندیشه ای ژرف کاو عمیقترین روابط اجتماعی و پنهان ترین راز تکامل جامعه بشری را کشف کند و آشکار سازد . «کاپیتال» مظهر کامل آن تحول انقلابی است که مارکسیسم در جامعه شناسی بوجود آورده است .

مارکس در این اثر خود زیربنای جامعهٔ سرمایه‌داری را با مهارت یك جراح چیره دست دوشکافی میکند و تصویر کاملی از آناتومی این جامعه بدست میدهد . مارکس برای درك ماهیت سرمایه‌داری به تشریح کالا ، یافت سازندهٔ کالا و این جامعه میپردازد ، اولا بلای هر چه که ظاهری

دنباله در صفحه ۶

تاجگذاری

محمدرضا شاه پس از ربع قرن سلطنت برای خویش مراسم پرخرج تاجگذاری را در آبان ماه سال جاری برپا میدارد . این یك مراسم ساده درباری برای علمی کردن یك جریان متداول در کشورهای سلطنتی نیست، این یك اقدام سیاسی در نوره قدرت استبدادی محمد رضاشاه برای تحکیم سلطنت مستبده در خاندان پهلوی است . مراسم تاج گذاری پس از دستورد های متعدد بقانون اساسی ، پس از بسط فوق العاده اختیارات شاهی که باید طبق قانون اساسی « غیر مسئول » باشد ، پس از انتقال حق تعیین نایب السلطنه از مراجع قانونی به شاه ، پس از تأمین شرایط وراثت و ادامه کاری در خاندان پهلوی ، پس از محو مطلق همه آثار آزادی و اختیار از مردم و ارگانهای سیاسی، اجتماعی و مطبوعاتی وی ، پس از تصرف دربست قدرت حاکمه از طرف شاه ومستقبل کردن قوای سه‌گانه در وجود خود ، بعمل میآید .

شاه و خاندان پهلوی و منادیان دربار معمولا برای توجیه سلطنت مستبده محمدرضا شاه حکم صادر میکنند که بطلان آن روشن تر از آفتاب است :

اول آنکه میگویند سلطنت در ایران امری است طبیعی! بقول سناتور دشتی سلطنت مانند زبان پارسی و عید نو روز از اجزاء لاینفك فرهنگ ایرانی است! عمری ۲۵۰۰ ساله دارد . ثبات ایران ثمره سلطنت است . وحدت ملی ایران ثمره سلطنت است . شاه مظهر قومیت ماست . بدون سلطنت ، ایرانی در کار نخواهد بود . سخن خنده آور آقای مسعودی را در دوران محاکمه پرویز نیکخواه و یارانش در خاطر دارید ؟ وی در آخرمان مطلبی نوشت بدین مضمون ، این آقایان (یعنی پرویز نیکخواه و یارانش) میخواستند شاه مملکت را نابود کنند و سپس در ایران به پارتیزانی بپردازند . آخر اگر شاه نباشد ایرانی نیست که دیگر بتوان در آن پارتیزانی کرد ! روشن است که این فلسفه از اساس و پایه غلط است . شکل سلطنتی حکومت یکی از اشکالی است که طی تاریخ پدید شده و سپس در اکثریت مطلق کشور های جهان به بایگانی تاریخ فرستاده شده است . این شکل حتی در بهترین حالات خود یعنی سلطنت مشروطه یا شاهی غیر مسئول ، دارای ماهیت دموکراتیك نیست . این شکل در بدترین حالات آن یعنی سلطنت مستبده یا شاهی

دنباله در صفحه ۲

شماره ویژه «مردم»

بمناسبت سالگشت فرخنده پنجاهمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر شماره آینده ماهنامه مردم شماره مخصوص اکتبر خواهد بود .

مصاحبه خبرنگار رادیو پیك ایران با رفیق رادمنش

در باره سفر شاه بواشنگتن و «انتخابات» سه‌گانه

پرسش - چنانکه میدانیم اخیراً شاه بدعوت جانسن مسافرتی بامریکا کرد . آیا ممکن است نظر خود را در بارهٔ علت این مسافرت و نتایج آن اظهار دارید ؟

پاسخ - امپریالیسم امریکا از دومین جنگ جهانی و بویژه پس از اکودتای ۱۳۳۲ تسلط جهنمی خود را بر کلیه شئون زندگی مادی ومعنوی میهن ما گسترده است ، هر گونه تغییر و تحول در سیاست و اقتصاد کشور ما و یا در تناسب نیروها در خاور میانه که درجهت تضعیف مواضع امپریالیستی صورت گیرد خواه ناخواه نگرانی جنبش محافل حاکمه امریکا را برمیانگیزد .

مسافرت اخیر شاه بامریکا را بویژه باید از این زاویه مورد توجه و دقت قرار داد . پس از بهبود نسبتا وسیع مناسبات ایران با اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی که در یکی دو سال اخیر برای نخستین بار عامل تازه و مهمی را در سیاست و اقتصاد ایران وارد ساخته است ، پس از بحران اخیر در خاور میانه که علیرغم پیروزی نظامی اسرائیل مواضع امپریالیسم در خاور میانه تا درجهٔ زیادی متزلزل گردیده است ، مسافرت شاه بامریکا انجام میگیرد . بعلاوه

دنباله در صفحه ۲

نمایش خنده آور و نفرت بار انتخابات سگانه پایان یافت

روز ۱۳ مرداد کمیدی انتخابات تسخیری مؤسسان ، شوری و سنا بطور « حزبی » زیر نظر « ستاد انتخابات » در یك روز انجام شد ونتیجه آن با سرعت برق آسا، روز ۱۴ مرداد اعلام گردید ! دستگاههای تبلیغاتی دولتی « آرامش » « حزبی بودن » و « سرعت » آنرا ستودند و از اینکه دولت توانست این سه قلو ها را بی درد و رنج و بی سر و صدا از کتم عدم بعرصه وجود آورد شادمانی کردند ! بحزب « پاسدار انقلاب » یعنی حزب دولتی ایران نوین بعنوان قهرمان این نمایش ۲۵۴ کرسی در مؤسسان ۳۱۴ کرسی در شوری و سی کرسی در سنا داده شد . پاسدار دوم که نقش مخالف خوان را بازی کرده بود ، یعنی بحزب مردم ، ۲۷ کرسی در مؤسسان ، ۲۹ کرسی در شوری و سه کرسی در سنا بعنوان چاپلوسان کردید و بالاخره بحزب « پان ایرانیسم » علیرغم « سوابق تاریخی » و دعاوی پرزرق از جمله زنده کردن ایران بزرگ ، بسهم کوچکی یعنی چهار کرسی در مؤسسان و پنج کرسی در شوری رسید و بدین ترتیب « انتخابات سه‌گانه » پایان یافت .

واکنش مردم ایران در مقابل این صحنه سازی خنده آور این بود که عملا آنرا تحریم کردند و با عدم شرکت خود مهر باطله بر انتخابات فرمایشی و گردانندگان آن زدند . مخبر روزنامه فرانسوی لوموند ضمن اعلام پایان انتخابات در ایران ، از تهران خبر داد : « خودداری شصت و پنج در صد از دارندگان حق رای در انتخابات پدیده‌ای کلاسیك در ایران است » . البته

دنباله در صفحه ۹

صدسال از تولد ستارخان گرد آزادی میگذرد

قهرمان و سردار ملی ایران و رزمگر نیرومند جنبش مشروطه ستارخان در اواخر سال های عمر خود کمتر شناخته شد و چهل سال از تولد وی میگذرد ، باحتمال قوی ستار مدت پانزده سال از دوران پیش از انقلاب مشروطیت در شهرهای مختلف بکار گری اشتغال داشت و زمانی در معادن نفت با کنو کار میکرد و در همان ایام عضو سازمان سوسیال دمکرات « همت » بود و بهمین جهت در جنبش مشروطه با آگاهی شرکت جست. نقش ستار در جنبش مشروطه و قیام تبریز و تصرف تهران نقش است بسیار حساس . یعنی هراندم روسی و انگلیسی آزمان بارها تهدید شده اند از وی با تجلیل نام برند و صفات مردانه و شجاعت و درایت فوق العاده وقدرت سازمانیهی و فرماندهی او را بستایند . با آنکه ستار مردی درس خوانده نبود در همه

دنباله در صفحه ۹

دهسال از مرگ ابوالقاسم لاهوتی

اولین و مهمترین شاعر پرولتری ایران میگذرد

امسال ده سال از درگذشت ابوالقاسم لاهوتی کرمانشاهانی و دو مهر ماه سال جاری هشتاد سال از تولد این اولین و مهمترین شاعر پرولتری ایران میگذرد ملاهوتی در ۱۳۶۶ شمسی در خاندان یك پیشه ور کوچه کش در کرمانشاه متولد شد و در سال ۱۳۳۶ شمسی در شهر مسکو درگذشت . لاهوتی از همان اوان کودکی ذوق شاعرانه خود را پرورش میداد. پدرش احمد الهامی با وجود شغل پیشه وری طبع شاعری داشت و لاهوتی از اوان کودکی تحت تاثیر شاعرانه خود قرار میگرفت

دنباله در صفحه ۹

دنباله از صفحه ۱

در باره سفر شاه بواشنگتن و «انتخابات» سگانه

موقعی این بازدید بعمل میآید که بعلت ادامهٔ جنگ تجاوزکارانه و توسعه آن در ویت نام، بعلت حاد شدن بیشتر تبعیضات نژادی در امریکا جنبت و اعتبار امپریالیسم امریکا در داخل و خارج امریکا بحد اقل تقلیل یافته است.

یك دولت واقعاً ملی و پیدار در دکشور ما میبایست قاطعاً از چنین شرایطی برای ریشه کن کردن نفوذ امپریالیسم در میهن ما، برای خروج از ستتو و لتو قرارداد های اسارت بار دو جانبه نظامی و سایر موافقت نامه های ناشی از آن، برای بیرون ریختن مستشاران نظامی امریکا از ارتش ایران و اتخاذ یك سلسله تدابیر لازم برای جلوگیری از غارت بازار ها و منابع نفتی ایران استفاده نماید ولی متأسفانه چنین وضعی در کشور ما موجود نیست.

آنچه از اعلامیه مشترك جانسن و شاه و از تفسیر های مطبوعات امریکا در باره مسافرت شاه بامریکا مستفاد میگردد، چیزی جز تقاضای باز هم بیشتر اسلحه و «کمك» از امریکا که نتایج شوم و استقلال برباد ده آنها را همهٔ هم میهنان ما دهها سال است با پوست و گوشت خود حس کرده و میکنند جز مواعید دروغین جانسن در باره ویتنام و خاور میانه چیز دیگری دیده نمیشود. بهمکس در پایان اعلامیه ما میخوانیم که «شاهنشاه و رئیس جمهور تأیید کردند که ملاحظات و مسائلی که براثرگذشته همکاری ایران وامریکا بوده است امروز از هر زمان دیگر معتبرتر و حساس تر میباشد». این عبارت یعنی ادامهٔ سیاست تسلط و تجاوز امریکا بحقوق ومنافع اساسی میهن ما. امریکا در این موقع حساس که از عده نیستاً قابل ملاحظه ای از کشور های خاور میانه بیرون رانده شده است، میخواهد بهواضی که هنوز در این منطقه برای وی باقی است استحکام بخشد و متأسفانه ایران یکی از مهمترین مواضع مزبور است و از مذاکراتی که مابین شاه و جانسن صورت گرفته است جز رفع نگرانی امریکا در باره ایران و تأیید کورس سنتی سیاست زمامداران ایران چیز دیگری دیده نمیشود. بدیهی است از زمامداران کنونی ایران که با امپریالیسم پیوند های مرئی و نامرئی زیادی دارند انتظار معجزه ای نمیتوان داشت. این تنها مبارزه پیگیر نیروهای ملی ودمو کراتیك در داخل و تغییر تناسب نیروها بنفع صلح و استقلال و دمو کراسی و سوسیالیسم در خارج است که طریقهٔ مقاومت و لجاجت در ادامهٔ سیاست کنونی زمامداران ایران، جهت آینده کورس سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ایران را مین میسازد.

پرسش - انتخابات مجلسین شورا وسنا و همچنین انتخابات مجلس مؤسسان بسامان پذیرفته است. محافل دولتی و گردانندگان احزاب در ایران مدعیند که انتخابات دورهٔ ۲۲ مجلس وسایر انتخابات از لحاظ محتوی با گذشته فرق بسیار داشته است.

خواهش میکنیم نظر کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران را در این باره بیان دارید.

پاسخ - تشریفاتی که در سیزدهم مرداد بنام انتخابات مجلسین و مجلس باصطلاح مؤسسان در میهن ما برگزار شد بکبار دیگر ماهیت ضد دمو کراتیك رژیم فعلی ایران را به ثبوت میرساند. در تفسیر هائی که حتی در مطبوعات ایران، علیرغم شرایط خفقان و ترور، که در کشور ما حکمفرما شده است تا درجه ای پرده از این خیمه شب بازی که بنام انتخابات در کشور ما انجام گرفته بالا زده است، حتی با قرار مسئولین امر تنها بثبت از رأی‌دهندگان در انتخابات شرکت جسته‌اند.

سیل عظیم اتوبوس ها بسوی حوزه های انتخاباتی در تهران و شهرستانها در چگونگی شرکت این یك تك از رای دهندگان نیز جای تردیدی باقی نمیگذارد.

با وجود چنین انتخابات روسائی که مورد تصدیق خاص و عام است آیا میتوان در مغشوش و غیرقانونی بودن آن تردیدی داشت؟

ایران نخستین کشور آسیائی است که در شصت و دو سال پیش علیه شاهان مستبد قاجار، علیه امپریالیسم و فئودالیسم دست به انقلاب زد. ایران نخستین کشور در آسیاست که در شصت و دو سال پیش موفق بتشکیل مجلس شورای ملی گردید.

سنن انقلابی میهن ما با انقلاب مشروطیت پایان نمیپذیرد. تاریخ معاصر ایران سرشار از مبارزات، قهرمانیها، جانبازیهائی است که مردم ایران در راه تأمین حقوق ملی و دمو کراتیك خود انجام داده اند.

آیا این قبیل انتخابات توهین آشکار به سنن انقلابی و رشد اجتماعی مردم میهن ما نیست؟ آیا این قبیل انتخابات دلیل آشکار فقدان دمو کراسی و نقض ابتدائی ترین اصول مندرج در قانون اساسی کشور ما نیست؟

آیا بازیگران چنین صحنه‌های روسائی حق دارند بر خود بالند و از پیروزی باصطلاح حزب اکثریت و شکست باصطلاح حزب اقلیت صحبت کنند؟

پاسخ چنین تجاوز آشکار به مهمترین حقوق سیاسی و اجتماعی مردم میهن ما، نمی در دادن بآنچه بوقوع پیوسته نیست، تنها با تجهیز و تشکل و مبارزه و وحدت اراده و عمل همه نیروهای ملی و دمو کراتیك درداخل و خارج کشور میتوان به بقایای اصول‌دوران خاقان مغفور خاتمه داد و نظم دمو کراتیك شایسته خلقی را که در مبارزات و انقلابات عدیده رشد سیاسی و اجتماعی خود را بثبوت رسانیده اند برقرار نمود. اقدامات حزب در آستانه انتخابات و همچنین مراجعات حزب ما به تمام نیروهای ملی و دمو کراتیك واعتراض به نحوهٔ انجام انتخابات در ایران که ازجانب حزب ما و در برابر مقامات مسئول داخلی و محافل بین المللی مطرح گردید در این‌جهت است. ما همهٔ نیروهای ملی و دمو کراتیك را

تاجگذاری

تام الاختیار عیناً ارتجاعی است. دعوی آنکه شاه مظهر قومیت و آیت وحدت ملی است از زمره آن دعاوی است که هر دیکتاتور زورگوئی در دوران خود میکند و متملقینش به عشق جاه و مال تکرار میکنند و دارای کمترین محتوی نیست.

فرعونها و قیصرها، خلفا و خوندکاران خود را ستون آسمان و میخ زمین و مایه قوام و دوام عالم میشمردند و جز موجوداتی ناچیز و حقیر نبودند. امروز فن نظامات اجتماعی خود علمی است دقیق وفرنج ومسئله این نیست که شاهی دعوی کند یا خواب نما شمین و یا قدرت نبوغ نداشته اش میتواند سکان تاریخ را در دست داشته باشد. قلمه پیشوایان همه‌دان و همه توان و دیکتاتورهای تابعه برای فریب سفیهان مفید است و هیچ عاقلی را گمراه نخواهد کرد.

دوم آنکه میگویند سلطنت محمدرضا شاه علاوه بر طبیعی بودنش یك سلطنت ویژه است. شاه کنونی ایران پیشوای انقلاب سفید است و در دوران او ایران به مرزهای نهائی ترقی و تکامل رسیده است. همه عالم از خردمندی شاه ایران غرق تحیر است. سرا پای جهان نتایج نبوغ شاه ایران را بر رسی و تقلید میکند. عصر این شاه درخشانترین عصر تاریخ ایران است. واقعاً چه تملقی که نمیگویند، چه ادعائی که نمیکنند. صفحات جرائد و امواج رادیو از اینقبیل دروغهای شاخدار و پردار سرشار است که حقیقتاً مایهٔ شرمساری ایرانی است.

روشن است که این دعاوی از اساس و پایه غلط است. اکنون بیست وشش سال است شاه ایران سلطنت میکند. تمام حواس خمسه شاه و دربار طی این بیست وشش سال معطوف آن بود که قدرت را از چنگ‌رقباء گوناگون خارج کنند و در دست دربار پهلوی متمرکز سازند. باید انصاف داد که شاه و خاندانش در این زمینه حد اعلای سماجت و قساوت و خدعه گری را بکار بردند و سیر حوادث و تفرقه مخالفان و اشتباهات سنگین آنها و حمایت امپریالیسم و غیره شاه را در این بازی موفق گسرده است. از چند سال پیش که شاه به دیکتاتور مطلق العنان مبدل شد در زیر فشار خارج و داخل و بنا باعتراف خود آنها در نتیجه «جبر تاریخ» مجبور شد دست به عقب نشینها و رفرمهائی بزند. جار و جنجال در اطراف این رفرمها از محتوی واقعی آن بیشتر است. محتوی واقعی آن اقداماتی است ناوس و ناتمام که جوابگوی نیازهای حاد و تبدار رشد یك جامعهٔ عقب‌مانده نیست. نظیر این اقدامات اکنون کم یا بیش در همه کشورهای جهان از تیپ ایران‌میشود اقدامات شاه ایران اقل تیپ است. اقدامات رفورمی دیر کرده و نیم بندی است که از سوئی محصول فرعی مبارزات انقلابی دیرپای مردم است و از سوئی دیگر وسیله ایست در دست دستگاه اشرافی سلطنتی بمنظور تثبیت خود و جلوگیری از انقلاب واقعی خلق.

با آنکه جارچیان درباری در حکم مغلوط بالا را شب و روز تکرار میکنند اکثریت مطلق مردم ایران بآنها باور ندارند و معتقدند که میتوان ایران دیگری با نظامی بهتر و عالیتر و مترقی تر آفرید و در این‌راه مبارزه میکنند. این مقاومت منطقی که مردم ایران در قبال فشار نیروهند تبلیغات رژیم نشان میدهند از هر باره در خورد تحسین است.

فضاوت مردم ایران در باره دوره ۲۶ سالهٔ سلطنت محمد رضا شاه فضاوت دیگری است. طی این مدت در ایران نه کارهای متعددی شده است که در آنها سهم شاه و دربار پهلوی سهم بزرگی است. نسل معاصر این تاریخ تاریك را از یاد نمیبرد.

در عین حال مبارزان این نسل میدانند که نبرد در راه تحول جامعه ایران نبردی است دشوار که آنرا با یك فرمون معجز آسای حادثه جویانه نمیتوان حل کرد و پاس از حل قطعی این مسئله و تسلیم بواقعیت موجود نیز شرط آزادگی و میهن پرستی نیست. باید با ساینت، روشن بینی، دید درست واقعیت، درآمیختن ترمش و جسارت، بکار بردن اشکال مختلف مبارزه، توجه به مبارزات تاکتیکی بعون فراموش کردن هدف استراتژیك، با نظام موجود که تجربه کسب کرده و از چرخش اوضاع بسود خود استفاده میکند، در طول مدت نبرد کرد. سیر زمان بسود این نبرد است. بویژه اگر نبرد آزمایش از آنهمه تجارب مثبت و منفی گذشته عبرت گیرند، متحد شوند، درست و هشیارانه عمل کنند، پیروزی نهائی آزمانهای والای آن امری تأمین شده است. ا. سپهر

دنباله از صفحه ۱

تام الاختیار عیناً ارتجاعی است. دعوی آنکه شاه مظهر قومیت و آیت وحدت ملی است از زمره آن دعاوی است که هر دیکتاتور زورگوئی در دوران خود میکند و متملقینش به عشق جاه و مال تکرار میکنند و دارای کمترین محتوی نیست.

فرعونها و قیصرها، خلفا و خوندکاران خود را ستون آسمان و میخ زمین و مایه قوام و دوام عالم میشمردند و جز موجوداتی ناچیز و حقیر نبودند. امروز فن نظامات اجتماعی خود علمی است دقیق وفرنج ومسئله این نیست که شاهی دعوی کند یا خواب نما شمین و یا قدرت نبوغ نداشته اش میتواند سکان تاریخ را در دست داشته باشد. قلمه پیشوایان همه‌دان و همه توان و دیکتاتورهای تابعه برای فریب سفیهان مفید است و هیچ عاقلی را گمراه نخواهد کرد.

دوم آنکه میگویند سلطنت محمدرضا شاه علاوه بر طبیعی بودنش یك سلطنت ویژه است. شاه کنونی ایران پیشوای انقلاب‌سفید است و در دوران او ایران به مرزهای نهائی ترقی و تکامل رسیده است. همه عالم از خردمندی شاه ایران غرق تحیر است. سرا پای جهان نتایج نبوغ شاه ایران را بر رسی و تقلید میکند. عصر این شاه درخشانترین عصر تاریخ ایران است. واقعاً چه تملقی که نمیگویند، چه ادعائی که نمیکنند. صفحات جرائد و امواج رادیو از اینقبیل دروغهای شاخدار و پردار سرشار است که حقیقتاً مایهٔ شرمساری ایرانی است.

روشن است که این دعاوی از اساس و پایه غلط است. اکنون بیست وشش سال است شاه ایران سلطنت میکند. تمام حواس خمسه شاه و دربار طی این بیست وشش سال معطوف آن بود که قدرت را از چنگ‌رقباء گوناگون خارج کنند و در دست دربار پهلوی متمرکز سازند. باید انصاف داد که شاه و خاندانش در این زمینه حد اعلای سماجت و قساوت و خدعه گری را بکار بردند و سیر حوادث و تفرقه مخالفان و اشتباهات سنگین آنها و حمایت امپریالیسم و غیره شاه را در این بازی موفق گسرده است. از چند سال پیش که شاه به دیکتاتور مطلق العنان مبدل شد در زیر فشار خارج و داخل و بنا باعتراف خود آنها در نتیجه «جبر تاریخ» مجبور شد دست به عقب نشینها و رفرمهائی بزند. جار و جنجال در اطراف این رفرمها از محتوی واقعی آن بیشتر است. محتوی واقعی آن اقداماتی است ناوس و ناتمام که جوابگوی نیازهای حاد و تبدار رشد یك جامعهٔ عقب‌مانده نیست. نظیر این اقدامات اکنون کم یا بیش در همه کشورهای جهان از تیپ ایران‌میشود اقدامات شاه ایران اقل تیپ است. اقدامات رفورمی دیر کرده و نیم بندی است که از سوئی محصول فرعی مبارزات انقلابی دیرپای مردم است و از سوئی دیگر وسیله ایست در دست دستگاه اشرافی سلطنتی بمنظور تثبیت خود و جلوگیری از انقلاب واقعی خلق.

با آنکه جارچیان درباری در حکم مغلوط بالا را شب و روز تکرار میکنند اکثریت مطلق مردم ایران بآنها باور ندارند و معتقدند که میتوان ایران دیگری با نظامی بهتر و عالیتر و مترقی تر آفرید و در این‌راه مبارزه میکنند. این مقاومت منطقی که مردم ایران در قبال فشار نیروهند تبلیغات رژیم نشان میدهند از هر باره در خورد تحسین است.

فضاوت مردم ایران در باره دوره ۲۶ سالهٔ سلطنت محمد رضا شاه فضاوت دیگری است. طی این مدت در ایران نه کارهای متعددی شده است که در آنها سهم شاه و دربار پهلوی سهم بزرگی است. نسل معاصر این تاریخ تاریك را از یاد نمیبرد.

در عین حال مبارزان این نسل میدانند که نبرد در راه تحول جامعه ایران نبردی است دشوار که آنرا با یك فرمون معجز آسای حادثه جویانه نمیتوان حل کرد و پاس از حل قطعی این مسئله و تسلیم بواقعیت موجود نیز شرط آزادگی و میهن پرستی نیست. باید با ساینت، روشن بینی، دید درست واقعیت، درآمیختن ترمش و جسارت، بکار بردن اشکال مختلف مبارزه، توجه به مبارزات تاکتیکی بعون فراموش کردن هدف استراتژیك، با نظام موجود که تجربه کسب کرده و از چرخش اوضاع بسود خود استفاده میکند، در طول مدت نبرد کرد. سیر زمان بسود این نبرد است. بویژه اگر نبرد آزمایش از آنهمه تجارب مثبت و منفی گذشته عبرت گیرند، متحد شوند، درست و هشیارانه عمل کنند، پیروزی نهائی آزمانهای والای آن امری تأمین شده است. ا. سپهر

دنباله از صفحه ۶

تظاهرات در امریکا علیه شاه وسیاه برگزار کردند.

روز ۲۳ اوت یعنی روز ورود شاه بواشنگتن نیز عده‌ای از دانشجویان ایرانی، امریکائی وغارجی با شعارهای «مرگ برشاه»، «آزادی برای ایران»، «شاه جانیکارست»، طرف کاخ سفید حرکت کردند. جالب توجه است که شاه از ترس دانشجویان پاهلویکوتر در کاخ سفید فرودآمد. در این تظاهرات بین پلیس و دانشجویان زد وخوردی درگرفت. در تمام مدت اقامت شاه در واشنگتن هرکجا که میرود که شاه پیدا میشد دانشجویان ایران علیه وی تظاهرات میپرداختند. در تظاهرات علیه شاه یك دانشجوی خارجی مجروح و چند نفر دستگیر شدند.

دعوت میکنیم در این مبارزه که بدون تردید با انتخابات روسائی که در سیزدهم مرداد در کشور ما صورت گرفته است پایان نمیپذیرد و بهمکس ضرورت تشدید مبارزه را بیش از پیش ایجاب مینماید، به پیوندند و بآن ادامه دهند، تنها با مبارزه میتوان باین نقض آشکار به حقوق ملی و میهنی مردم کشور خاتمه داد.

این مصاحبه در تاریخ ۲۸ اوت ۱۹۶۷ انجام و همان روز از رادیو پیك ایران پخش شده است.

ضمیمه مردم در تهران منتشر شد

ضمیمهٔ مردم ارگان تشکیلات تهران حزب توده ایران منتشر شد. در سر لوحه روزنامه این شعر درج شده است:

میهن افتادهٔ ما باز جان خواهد گرفت
در صف پیشین آزادی مکان خواهد گرفت

شماره دوم سال سوم ضمیمه مردم ارگان تشکیلات تهران درسر مقاله خود تحت عنوان «حزب توده ایران زنده است و مبارزه آشتی ناپذیر خود با رژیم موجود جهت حاکمیت توده ها ادامه میدهد» از جمله چنین مینویسد: «... این گفتگوهای ظاهری و اصلاحات نیم بندی هم که رژیم موجود اینهمه داد از آن میزند باز در نتیجه همان مبارزات سر سختانه اعضاء حزب ما بوده ومیباشد. رژیم کودتا داد از اصلاحات ارضی میزند ولی در دهات ایران زاندارمها بجای اربابان سابق بجان زارعین افتاده و دهقانان دسته دسته از زمینهای خود رانده شده و بسوی شهر ها پناه میبرند. رژیم کودتا سعی دارد کار برای کارگران و سود ویژه و شرکت تعاونی جهت آنان میزند در صورتیکه تعداد بیکاران روز بروز فزونتر شده و تعداد خود کشیها چون و دزدی و در بدری اشخاص که ناشی از بیکاری و بیچیزی است هر روز صفحات روزنامه های وابسته به رژیم را پرتر میکند، صحبت از فرهنگ و بهداشت میکند در صورتیکه بعد از آنهمه بوق و کرنا باز نسبت بی سوادان مانند ربع قرن پیش ۸۰ در صد است و بیماری و فقر مات ما را هر روز بیشتر تهدید میکند. تاریخ ثابت کرده است اصلاحات اجتماعی چیزی صوری و عملیه ملوکانه نیست، آنرا توده ها بزور میستانند و در گرفتن آنها و رهبری توده های مردم حزب ما سهم بزرگی دارد...» در سر مقاله بعد از اینکه وظایف افراد حزبی وطرفداران آن تشریح شده از همه میهن پرستان و عناصر دمکرات دعوت شده است که در یك جبههٔ واحد ملی علیه استبداد و استعمار متحد شوند.

در صفحهٔ اول پشتیبانی حزب ما از مبارزهٔ حق طلبانهٔ اعراب علیه امپریالیسم بکبار دیگر اعلام و خاطرنشان شده که: «سیاست مزورانه دولت رژیم کودتا بر علیه دول عربی از نظر ملت ایران محکوم و مطرود است. این روش رژیم کودتا کمك مستقیم به امپریالیسم و ولد نامشروع او صهیونیسم است.»

در ستون اخبار روزنامه، نامه یك کارگر ساختمانی درج شده است. او مینویسد:

«دوستان عزیز هیئت تحریریه روزنامه ضمیمهٔ مردم من بعنوان یك کارگر ساختمانی در درجه اول بیکار مقدس شما را ستایش میکنم و باین مبارزه انسانی وقهرمانیهای شما و همرزمان شجاع و بی باکتان که در شرایط خفقان استبدادی پرچم مبارزه ملت ما را در اهتزاز نگاه داشته اید درود میفرستم. در شمارهٔ قبل از مظالم یکی دو شرکت ساختمانی نسبت بکارگران مطالبی نوشته شده بود که باعث تقویت روحیه کارگران بود. امیدوارم همانطور یکه سنت حزب توده ایران و ارگان آن مردم بوده و هست همچنان از کارگران و زحمتکشان محروم دفاع کنید. مطلبی که میخواستم توضیحاً بگویم این اجحافات و تعدی منحصر بهمین شرکتها نیست، تمام شرکتهای ساختمانی است و آنها چنان در این تجاوز ها جسری شده اند که بدون کوچکترین پروائی خود را مالك الرقاب کارگران و زحمتکشان میدانند... ما کارگران میدانیم که تنها راه نجات اتحاد و اتفاق و مبارزه است....»

«ضمیمهٔ مردم» سپس خبر اعتصاب دانشگاه، یادبود روز ۲۹ خرداد روز خلع بدیزشرکت سابق نفت، و خبری از مبارزات کارگران خوزستان چاپ کرده و شرح میدهد که در آبادان سندیکای کارگران را بسته اند و میگویند محل آنرا برای دوماه به زنجر های سازمان دفاع غیر نظامی برای تعریفات داده اند. کارگران اعتراض میکنند و میگویند چرا بدون اجازهٔ ما محل سندیکا را در اختیار سازمان امنیت گذاشته اید، چند تن از مدیران سندیکا اظهار بی اطلاعی میکنند و میگویند ماقدرتی نداریم. خبر دیگر حاکی است که بهانهٔ مبارزه با بیسوادی دولت حسابی در تمام بانکها بنام «ب ۷» باز کرده است و هر کس که کار با نکی داشته باشد واداد میشود که یك فیش صد ریالی بخرد. با اینکه تا کنون مبالغ هنگفتی از همین راه و راههای دیگر جمع آوری کرده اند ولی کار اساسی برای با سواد کردن کارگران و زحمتکشان انجام نگرفته است. ضمیمهٔ مردم ارگان تشکیلات تهران حزب توده ایران اخباری هم از زندگی ومبارزات دهقانان درج کرده است. ازجمله خبر میدهد که در یکی از دهات ارستان مالکین بکمك زاندارمها زمین دهقانان را غصب میکنند، دهقانان برای داد خواهی بشهر میروند، بنام مقامات متوسل میشوند ولی هیچکس بداد آنها نمیرسد و توجهی بحرفشان نمیکند و حتی ازادارات بیرونشان میکنند؛ دهقانان ناچار میشوند خودشان غاصبین را از ده بیرون کنند. مالکین چندین بار بکمك زاندارمها مانع کشت و کار دهقانان شده اند. مالك از ترس واکنش دهقانان باندازهای زاندارم بده آورده است که خانه ها کفاف آنها را نکرده و در چادر ها بسر میبرند. در یکی از دهات نورم آباد دهقانان متحد میشوند وحاضر نمیشوند اجباره کلانی که مالکین بکمك زاندارمها از آنها طلب میکردند بپردازند. آنها مالکین را خلع سلاح میکنند و ازده بیرون مینمایند. ولی مالکین مجدداً بکمك زاندارمها باز میگردند و تعدی و ظلم را از سر میگیرند. و از راه دیگری دهقانان را میدوشند، آنها میخواهند بنام دامداری و دامپروری دهقانان را از ملك خود بیرون نمایند، ولی دهقانان متحدانه همچنان در مقابل آنان و ایادی ملاکان ایستادگی میکنند. ضمیمه مردم از دهقانان دعوت میکند که در برابر زور گوئی اربابان و ژاندارمها مقاومت کنند و از پرداخت مال الاجاره، و آب بها و دیگر سورسات خودداری ورزند و خاطر نشان مبارزه که بهترین شرط پیروزی دهقانان اتحاد آنها و اقدامات دسته جمعی آنهاست:

درج اخباری از زندگی کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان، متمرکز کردن مبارزات آنها و دادن شعار های درست و رهنمود های عملی و دقیق از وظایف مهم «ضمیمهٔ مردم» است. ناشرین آن خود به نکاتی که ذکر کرده ایم توجه دارند. زیرا بدرستی در سر مقاله خاطرنشان کرده اند: «دست ازمبارزات خاده جویانه باید برداشت و با برنامهٔ منظم حزب مانند یك تن واحد صفوف خود را متشکل و مستحکم نمودند و مبارزه پیگیر و اصولی ادامه داد.»

ما انتشار شمارهٔ دوم سال سوم ضمیمهٔ مردم را به رفقای عزیز تشکیلات تهران تبریك میگوئیم و موفقیت آنها را صمیمانه خواهانیم.

در دیدار جهانی جوانان

بمناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، دیدار جهانی جوانان در لنینگراد تشکیل شد و در آن نمایندگان ۱۱۸ کشور شرکت کردند. بمناسبت این دیدار کنفرانسی تشکیل شد که از ۲۵ ژوئیه کار خود را آغاز کرد. نمایندگان جوانان کشور های مختلف در بارهٔ انقلاب اکتبر و تاثیر آن در جنبش جوانان کشور خود صحبت کردند. نماینده سازمان جوانان توده ایران در سخنرانی خود گفت:

«بنام جوانان توده‌ای، بنام تمام کسانی که در ایران برای دمکراسی و پیشرفتهای اجتماعی مبارزه میکنند، بنام تمام کسانیکه تحت رژیم جبار و ارتجاعی شاه رنج میبرند باین دیدار جهانی و به جوانان شوروی «کسومول» بهترین درود ها رامیفرستم.»

ناطق پس ازبیان وضع کار و تحصیل وزندگی جوانان کشور با ذکر شواهد و ارقام نشان داد که جوانان ایران از همان دوران کودکی با چه بیعدالتی ها و محرومیتها روبرو هستند.

سخنگوی جوانان توده‌ای و مترقی ایران وضع اجتماعی و سیاسی جوانان را تشریح کرد و گفت جوانان حق ندارند سازمانهای سیاسی و اجتماعی خود را آزادانه تشکیل دهند، و هر سازمانی که کوچکترین مخالفتی با رژیم کنونی ابراز دارد غیرقانونی اعلام میشود و تحت تعقیب قرار میگیرد و آنهائیکه علیرغم این شرایط مبارزه را ادامه دهند یا زندان، شکنجه، دادگاههای نظامی و مرگ محکوم میشوند، مانند رفقای بسیار عزیز ما پرویز حکمت جو و علی خاوری که سال گذشته بمرگ محکوم شدند و توانستند در اثر فشار افکار عمومی ایران و جهان از مرگ نجات یابند، و حالا باتفاق سه نفر دیگر از مبارزان، اوانسیان، معتمدی وپیروزی به زندانهای بد آب و هوای جنوب کشور تبعید شده‌اند، این زندانیان شجاع در داخل زندان نیز متحدانه نبرد خود را برای آزادی ادامه میدهند. در خارج زندان نیز علیرغم ترور گشتاپوی رژیم شاه مبارزه ادامه دارد. چند هفته پیش رفقای ما که در چیاولهٔ مخفی فعالیت میکردند دستگیر شدند و هنوز زندانی اند.

من با استفاده از این تریبون جهانی از شما درخواست میکنم که آزادی تمام میهن پرستان ایرانی را بطلبید و در این راه بهر وسیله‌ای که میتوانید بما کمك کنید. سپس ناطق درباره انقلاب اکتبر و تاثیر آن در جنبش جهانی نغلهای متکبش صحبت کرد، و گفت ترقیات اتحاد جماهیر شوروی دراقتصاد صنعت و تکنیك، در فرهنگ و بهداشت و بالا بردن سطح زندگی بهترین دلیل حقانیت مارکسیسم ـ لنینیسم و سیاست درست حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی است که به جنبش های ملی نیروی تازه و دورنمای روشن میدهد.

مردم ما و جوانان ما که علیه فشار رژیم در کشور مبارزه میکنند، پیوسته با خلق قهرمان ویتنام که علیه تجاوزکاران امریکائی میجنگند ابراز همبستگی نموده و پیروسه‌ای که توانسته‌اند بآنها یاری کرده‌اند، مافقط «بیمارانهای وحشیانه» ویتنام قهرمان و خروج تمام نیرو های تجاوز کار را از خاك ویتنام طلب میکنیم، و مراتب پشتیبانی خود را از نبرد عادلانه ملل عرب اعلام میداریم و خروج نیرو های متجاوز اسرائیلی را از مناطق عربی طلب میکنیم.

ما از سیاست صلحجویانه جمهوری دمکراتیك آلمان پشتیبانی میکنیم و بشدت نسبت به سیاست تلافیجویانه آلمان غربی و مقاصد امپریالیستی آن در ایران معترضیم.

ما با مبارزه مردم یونان همدردی میکنیم و دشواری مبارزه آنها را حس میکنیم و میدانیم که آنها نیز با یك رژیم فاشیستی نظیر رژیمی که از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران حاکم شده است مبارزه میکنند.

سخنران در خاتمه نطق خود گفت، مبارزان ما علی رغم تمام دشواری ها باز هم موفق خواهند شد بمناسبت سالگرد انقلاب اکتبر را با شایستگی بر گزار کنند.

هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیك ایران، «نامه‌ها مردم» «چه دنیا و مجله مسائل بین‌المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 4176
Stockholm 4
Sweden

از «درسهای» شهبانو!

اخیراً روزنامه اطلاعات مصاحبه ای با فرح پهلوی ترتیب داده که در چندین شماره متوالی این روزنامه انتشار یافته است. قبل از آنکه توجه خوانندگان را به نکاتی چند از این آخرین مصاحبه جلب نمائیم، بی مناسبت نیست بمصاحبه های وی در چند سال اخیر و هدفهای جناب شده آنها اشاره کنیم.

بطوریکه خوانندگان عزیز ما خود اطلاع دارند در دو سه سال اخیر مصاحبه با فرح، بصورت مدروز روزنامه ها و مجلات درباری درآمده است. هر چندی یکبار غیر نگار یکی از این نوع روزنامه ها و مجلات بکاخ سلطنتی میرود، سئوال و جوابهای قبلا تنظیم شده ای برای خدمت به هدفهای خاص مطرح میگردد و به منبه یك مشت تملق گوئی نفرت انگیز بخورد مردم داده میشود. وجه مشترك کلیه این مصاحبه ها، موجه جلوه دادن سلطنت، ساده جلوه گر ساختن زندگی پرتجمل دربار و نقاب فرشته بر چهرهٔ اهرمن آوبختن است. فرح سعی دارد دراین مصاحبه ها، زهر تلخ سلطنت را با شهد عشوه گری و طنازی بکام مردم بریزد، زندگی پرتجمل و پر خرج دربار را مزورانه همپای گذران ساده مردم قرار دهد و «اعلیحضرت» را نمونه آنچنان انسان پرکار، مردم دوست، خوش قلب و مهربانی معرفی کند که گوئی از غم مردم شب از روز باز نمیشناسد؛ سرا پای این مصاحبه ها اثباتند از تملق بیدریغ بشاه است آنچنانکه کمتر برده ای به سرور خود با این خاکساری تملق میگوید. فرح دیپا دانشجوی دیروز، امروز به دستگرد شاه برای دفاع از سلطنت مستبده بدل شده است. مصاحبه اخیر وی نیز در همین خط سیر میکند. اما نکته ای که در این مصاحبه تازگی دارد درس سادگی و احتراز از مدپرستی است که «شهبانو» بزنان ایران میآموزد. او به خبرنگار اطلاعات میگوید: «اخیراً دسته ای از خانمها بکوچ توجه افراطی بظاهر خود پیدا کرده اند و من فکر نمیکنم در هیچ جای دنیا چنین وضعی دیده باشد. این دست هر چه در میآورند بمصرف تهیه لباسهای رنگارنگ میرسانند.» این سخنان از زبان کسی است که خود نمونهٔ بارز یك زن تجمل پرست است. توصیف وی را از زبان روزنامه های اروپا بشنوئیم. روزنامه فرانسوی «اوروز» در یکی از شماره های سال ۱۹۶۳ خود خبر داد که: «همسر شاه ایران بوسیله هواپیمای مخصوص ۱۰۰ کلاه فقط برای فصل بهار برای خود به ایران وارد کرده است. اما از صد کلاه فقط چهارتای آنرا پسندیده و نسبت به دوتن مدیستی که بقیه کلاهها را تهیه کرده اند عصبانی شده و کلاهها را پس فرستاده. میگویند ملکه عجب مشکل پسند شده و به سلیقه مدیمی پیدا کرده است» در همانسال روزنامه فرانسوی «پاری ژور» در شمارهٔ ۲۶ آوریل خود نوشت: «سالن مد (کریستیان دیور) صد مدل لباس بهار و تابستانی را که گرانقیمت ترین نوع خود هستند بمعرض نمایش گذارد. نماینده فرح نیز دراین نمایشگاه شرکت داشته است» روزنامه لونوول در شماره مورخ ۲۴ مارس ۱۹۶۳ اطلاع داد که: «کار کلاههای مشهور فرانسه اقتخار آنرا پیدا کرده اند که برای فرزند اخیر شاه (منظور فرحناز است) قنداق و کهنهٔ بچه بدوزند» روزنامه مینویسد: «کارگران این کارگاهها نمیدانستند که اینهمه پارچه و توری ظرف و گرانقیمت را برای فرزند دربار ایران تبدیل به کهنهٔ بچه و قنداق میکنند. فقط برای مراسم نامگذاری لباس مخصوصی تهیه شده که توری نفیس آن از سویس خریداری شده است».

شاید خوانندگان عزیز گمان برند این «سلیقه متیم» که کالا و هنر هنرمندان کشورش را حتی برای تهیه کهنه و قنداق کودکش مناسب نمیداند مربوط به سال ۱۹۶۳ بوده و در چند سال اخیر تعدیلی در «سلیقه» شهبانو به وقوع پیوسته است، برای رفع این توهم به روزنامه های ایران در چند ماهه اخیر مراجعه کنیم.

مجله درباری «زن روز» در ۲۶ فروردین امسال نوشت: «شهبانو فرح بیشتر از مدلهای «بانو» خیاط مشهور فرانسوی استفاده میکند. ایشان برای هر فصل چند دست لباس و دویس سفارش میدهند. وهمین ترتیب عیار سخن «شهبانو» را که درمصاحبه اخیر خود با مخبر اطلاعات گفته «من خودم چندین سال است که کلیه لباسهایم را در ایران تهیه میکنم» آشکار ساخته است. سرلشکر قضنفری رئیس دبیرخانه شورای عالی تاجگذاری نیز که از ادعای شهبانو مبنی بر طراحی لباس تاجگذاری وسیله خود وی و دوخت آن بدست خیاطها و هنرمندان ایرانی بی اطلاع مانده برای مخبر اطلاعات فاش میکند که نه تنها لباس تاجگذاری «شهبانو» بلکه لباسهای شهناز و فرحناز و نیز لباسهای ندیمه ها و دختران سادموند توسط آقای «دیور» نماینده کریستیان دیور و خیاط مخصوص «شهبانو» طراحی و دوخته خواهد شد و بدین ترتیب دروغ دیگر «شهبانو» افشا میگردد.

فرح در این مصاحبه میکوشد تا از تاثیر نامطبوع اخباری که در مورد تهیه تاج گرانقیمتی برای وی در اذهان مانده بکاهد. وی میگوید: «برای تهیه تاج، من نخواستم با خرید سنگهای قیمتی جدید تحمیلی به بودجه مملکت بشود» و اما جریان تهیه تاج را از زبان مجله «زن روز» بشنوید، مجله زن روز در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۴۰ از قول مجله آلمانی «کونستانس» نوشت: «چهار تن از مشهورترین جواهر سازان پاریس یعنی «بوشرون»، «کارته»، «وان کلف» و «آرپل» مأمورند یافته اند تاج قشنگی از پلاتین و طلا که زمرد و یاقوت نشان باشد برای شهبانو بسازند. جالب ترین قطعه جواهر تاج شهبانو، یك قطعه برلیان ۷۰ قیراطی خواهد بود. برلیان ۷۰ قیراطی بر موهای فرح، در کشوری میدرخشد که در همین سرشماری اخیر معلوم شد در ۷۵ محله پایتختش ۶ خانوار در یك اطاق زندگی میکنند و باز درهمین پایتخت، در زیر گوش «شهبانو» صدها خانواده نه نفری در یك اطاق مسکن دارند. از جنوب شهر تهران و شهرستانها و روستاهای ایران بگذریم که هزاران انسان شریف و زحمتکش سرپناهی ندارند.

در روزهائی که صفحات روزنامه های تهران انباشته از اخبار مربوط به «تاجگذاری»، شکوه مراسم آن و توصیف لباس های گرانقیمت درباریان از طفل ۲ ساله تا شاه ۴۸ ساله است، سئوال و جواب روزنامه کیهان با یك کودك یتیم پرورشگاهی دل هر انسانی را بدرد میآورد. این کودك درجواب مخبر کیهان در باره بزرگترین آرزویش میگوید: «من خیلی نان پیری دوست دارم، دلم میخواهد نان پیری و چائی ام همیشه حاضر باشد.» در کشوری که شیرین ترین آرزوی کودکانش لقمه ای نان و لذیذ ترین غذا برایشان چای و نان خالی است، بقدر سخت دلی و شقاوت میخواهد که کسانی فارغ از رنج مردم، دسترنج مردم را پای هوسهای خود بریزند و با جسارت بر کرسی موعظه بنشینند.

نکته جالب دیگر این مصاحبه آنجاست که فرح ندانسته، خود را افشا میکند. آنها که با مجلات و روزنامه های تهران سر وکار دارند میدانند که تجلیل و ستایش از نیکوکاری و نوع پروری «شهبانو» ورد زبان روزنامه ها است. خیر پشت خیر از اعانات «شهبانو» به فلان مؤسسه، بنگاه خیریه، مدرسه و دانشگاه انتشار میابد. شاید کسانی باشند که گمان کنند این پولها از ثروت غارتی خاندان پهلوی بمردم اهدا میشود، ولی «شهبانو» خود رفع اشتباه میکند. وی در جواب سئوال مخبر اطلاعات در این زمینه چنین میگوید: «بدیهی است من چنین ثروتی ندارم که بتوانم از محل آن کمکهای مؤثر و بزرگ کنم، خوشبختانه در سالهای اخیر که درآمد نفت افزایش یافته، بودجه ای برای انجام کارهای عام المنفعه در اختیار من قرار گرفته است. مدتی با اعلیحضرت در مورد چگونگی مصرف این بودجه گفتگو کردیم و مقداری از آنرا برای اعانات و کمکهائی که از اینطریق بمؤسسات میشود اختصاص دادیم» دیگر جای تردید نیست که «اعانات» شهبانو بخش کوچکی از ثروت مردم است که با هزار منت و ناز بخود مردم باز میگردد و بخش بزرگتر آن به چاه ویل دربار فرو میرود. زنی که فقط برای یك فصل بعد کلاه سفارش میدهد و سفارشگاه های ایران در پاریس و رم واسعه بین او و معروفترین و گرانبها ترین سالنهای مدبهان هستند، پرداخت چند ده هزار تومان را به این یا آن خبریه وسیله قرار میدهد تا راهی برای غارت باز هم بیشتر ثروت مردم وچنگ اندازاختن بر عواید نفت باشد. آنوقت این واعظ غیر متعظ برای اغفال مردم به زنان انگشت شماری در خانواده های مرفه که جای پای خود او قدم برمیدارند درس صرفه جوئی و سادگی میدهد اخاندان پهلوی کشور ما را «محله کوران» تصور کرده اند، غافل از آنکه مردم با چشمانی باز ناظرند و فریب نمیخورند.

مردم

ما و کنفدراسیون

در هفته های اخیر هیاهوی غریبی از طرف بعضی از مطبوعات متعلق بسازمانهای ایوزیسیون در اطراف برخی از مقالات «مردم» برپا شده است، از جمله میخواهند چنین جلوه گر کنند که گویا حزب تودهٔ ایران کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در خارج از کشور را مورد اتهام قرار داده است. این مطلب از بیخ و بن نادرست است. کنفدراسیون دانشجویان ایرانی را ما از همان آغاز یك سازمان دمکراتیك، متعلق به ایوزیسیون میشناسیم و آنرا متحد بالقوهٔ خود در نبرد عادلانه علیه استبداد و استعمار میشمریم. ما پیوسته مبارزات بحق کنفدراسیون و دانشجویان انقلابی و میهن پرست را بنظر تحسین نگریسته ایم و از آن با تمام قوا حمایت مؤثر کرده ایم. هیچ جنجالی ما را از این قضاوت و روش بحق منحرف نخواهد کرد. انتقادات و نظریات ما متوجه کنفدراسیون در مجموع که ما به نیت پاك و احساسات شریف اکثریت غریب بتمام معنا آن باور داریم نبوده و نیست. این از شیوه تفکر توده ای و انقلابی ما خارج است. انتقادات و نظریات ما متوجه کسانی است که آگاهانه یا غیر آگاهانه کنفدراسیون را به راه سکتاریسم و چپ روی، براه روش ضد توده ای، براه روش ضد شوروی کشیده اند و میکشند. ظاهراً افشاگری ما این آقایان را نگران ساخته است وایشان از کلیه امکانات خود استفاده میکنند تا آنچه را که فقط میتواند بآنها مربوط باشد به کنفدراسیون مربوط کنند و جبهه ضد توده ای خود را توسعه دهند. ما میکوشیم تا صفحات روزنامه مردم را که باید صرف مبارزهٔ با رژیم شود حتی المقدور صرف مبارزه داخلی نهضت نکنیم و در عین حال در مقابل اتهامات ناروائی که ستونهای مطبوعات ایوزیسیون در شماره های اخیر از آن اشتباه است خاموش نخواهیم نشست و در جزوهٔ جداگانه ای تحت عنوان «ما و کنفدراسیون» پاسخ لازم را باتهامات و احتجاجات نادرست خواهیم داد. ما بهمه دانشجویان شریف و مبارز ایران هشدارمیدهیم و میگوئیم: دوستان عزیز، در برابر شما نجزیی است که اتحادات خود را دربرند علیه استعمار و استبداد داده است و هم اکنون بزرگترین آماج حملات خونین ارتجاعی است. کمی بیاندیشید! چه چیزی کسانی را وامیدارد بجای نبرد علیه دشمنان غدار و نیرومندی مانند امپریالیسم و استبداد سلطنتی اینهمه مرکب علیه حزبی که آنهمه شهید و زندانی داده، آنهمه زندگیها بخاطر آرمانهای وی بتاراج رفته است مصرف کنند؟ افکار عمومی دانشجوئی باید جلوی این سیل جرکین اتهامات را بگیرد و بگذارد که بحث در فضای مبادله رفیقانه افکار جریان یابد.

مینو

دنباله از صفحه ۱

نمایش خنده آور و نفرت بار انتخابات سگانه پایان یافت

مغیر لومومنه نمیتوانست بگوید که تحریم عملی انتخابات از طرف مردم باین علت کلاسیک است که آنها به تجربه دریافته‌اند که در شرایط ترور و اختناق، انتخابات که زیر نظر «ستاد انتخابات» یعنی سازمان امنیت و بدست احزاب ته ساخته ولو با مدرن‌ترین وسائل فنی انجام گیرد، آزاد نیست. آن سی و پنج درصدیهم (اگر اغراق نباشد) که ظاهراً (رأی) داده‌اند بزور دستگاههای دولتی و مقامات امنیتی از ترس پای صندوقها گذاشته شده و باجار امر مافوق را اجرا کرده‌اند. مجله تهران مصور در شماره ۶ مرداد خود نظر مردم را در باره انتخابات بوسیله‌دو هزار تلفن باشخاص مختلف آزمایش کرده و قسمتی از نتیجه آنرا منتشر کرده است که ما چند نمونه آن را در اینجا ذکر میکنیم:

«اولین نفر آلو-بله‌اینجا مجله‌تهران مصور است. من نویسنده مجله هستم، چنانچه آقا مهندس متوجهم بفرمائید. متشکر خواهم شد که نظریات خودتان را درباره انتخاباتی که در حریان است برای مغلس بفرمائید... بعد از کمی سکوت: والله فعلا که همه کاره احزاب و رهبران احزاب هستند که خود میبرند و خود میدوزند، بنا بر این بهتر است عقیده آنهارا بپرسید - آقای مهندس نظر رهبران احزاب که معلوم و مشخص است میخواستیم بدانیم که نظر مردم چیست؟ بجان شما از نظر مردم بیخبرم ولی خودم هنوز برای گرفتن کارت الکترال نرفته‌ام و بعداً هم نخواهم رفت - منظورتان این است که در انتخابات شرکت نمیکنید؟ - بله همینطور است - چرا؟ - شما که پاشنویسنده هستید خودتان کارت الکترال گرفته‌اید؟ راستش را بخواهید نه! - یعنی اینکه تمایل بشرکت در انتخابات ندارید - بما کمال شرمندگی بله - چرا؟ برای اینکه اعتقادی بکاندیدها ندارم - بنده هم مثل شما سهمین؟ بله همین - در جواب تلفن دیگری آقای عباس نوائی کارمند بانک شرکت خصوصی میگوید: آنها که قرار است و قبل بشوند وکیل میشوند ماجرا بخودمان زحمت بدهیم. آقای فیروز آسیائی (کارمند بانک) میگوید «این روز ها برنامه هنر برای مردم در کوشه و کنار شهر تهران اجرا میشود. آخر هنر که منحصر بآواز خوانی نیست. تاثیر هم جزء هنر ما بشمار میرود و گمان میکنیم که فعالیتهای انتخاباتی هم برای تکمیل برنامه هنر برای مردم صورت میگیرد؟» آقای کریم ارفایی راننده تاکسی بهتر از هر کس ماهیت رای ها را نشان میدهد او میگوید «من فقط از انتخابات همین را میدانم که لباس های متحد الشکلی که قرار است اخیراً برانتخابی های تاکسی بدهند در گرو گرفتن کارت الکترال است و بهمین جهت ما هم کارت را گرفته‌ایم و امضا کرده‌ایم ولی نمی دانم اسم چه کسی را در کارتهائی که از ما تحویل گرفته‌اند خواهند نوشت. این را لابد رهبران حزب اکثریت بهتر میدانند!» - آقای عباس غلامپور (کارمند جزء) میگوید «میترسم اگر در انتخابات شرکت نکنم مورد غضب قرار بگیرم چون اینطور که فهمیده‌ام رؤسا و زعمای اداره ما همشان از بزرگان حزب ایران نوین هستند.» - آقای ابراهیم اشکر (کارگر) میگوید: «تصادف عجیبی است که همین امروز که شما هم بکارخانه ما تلفن کرده‌اید رئیس کارخانه بما هرچه ارد وشناسنامه های ما را خواست که خودشان پرونده کارت الکترال بنام ما بگیرند. اما چون شناسنامه من در شهرستان بود آقای رئیس کارخانه اظهار داشت که اگر شناسنامه‌ام را تحویل ندهم بگروز حقوق مرا بعنوان جریمه کسر خواهد کرد. همین و همین.» - آقای محمود رضا زاده (کارمند): «آقا جان! چه انتخاباتی، چه کشکی این ها همه‌اش فیلم است و بهتر بود که اسم این انتخابات را میگذاشتند انتصابات تا خیال مردم را هم راحت کرده باشند.»

اینهاست نمونه های زنده‌ای از برخورد واقع بینانه مردم بنتایجات شاه که جریان و نتیجه انتخابات صحت آنرا تأیید کرده است.

براساس این واقعیت است که تشکیلات حزب توده ایران در تهران ضمن اعلامیه ای بمناسبت انتخابات چنین گفت: «بی تردید میتوان گفت از اوان مشروطیت تا حال انتخاباتی باین حد مسخره و مفتضح و ننگین وجود نداشته است هیئت حاکمه با زور و جبر سندیکاهای کارگری و اتحادیه های دهقانی و کارمندان و پیشه وران و غیره را برای گرفتن کارت الکترال و دادن رأی بکاندیدهای انتصابی و باصطلاح حزبی مجبور میسازد.

افتضاح انتخابات تا آنجا بالا گرفته که رادیو لندن هم نتوانست آنرا بپوشاند. طبق مندرجات اطلاعات شماره ۲۵ مرداد سخنگوی رادیو لندن انگلیس مآیانه میگوید: «آزادی انتخابات ایران بطور کامل منطبق با آن مفهوم کلی که از این عبارت در انگلیس استباط میشود نبوده است.»

مفهوم انتخابات از نظر حکومت ایران درست مخالف آن یعنی انتصابات است واین انتصابات با چنان رسوائی انجام میشود که نه تنها نفرت مردم را در ایران برمیانگیزد بلکه سخنگوی رادیوی لندن را نیز بصدا درمیآورد. حال به بینیم چرا شاه و هیئت حاکمه ایران اینهمه رسوائی را بخود میپسندند؟ نامه اعمال مجالس گذشته جواب روشنی باین سئوال است. اینگونه انتخابات برای آن میشود که هر چه شاه و حکومت انتصابی او میخواهند بوسیله مجالس بیچون وچرا تصویب شود و بنارنگری امپریالیستها و نفوذ سیاسی واقتصادی آنها که بصورت لوایح وقراردادها بمجالس برده میشود صحه قانونی بگذارند و بر قامت نارسای حکومت دیکتاتوری لباس دمو کراسی بپوشانند. برای آنست که بلافاصله پس از پایان «انتخابات سه گانه» درست در روز ۲۸ مرداد یعنی روز کودتا با دمن کجی بمردم ایران مجلس مؤسسان قلابی را افتتاح کند و ۳ اصل از قانون اساسی (۴۱،۴۸،۴۲) را بسود خود تغییر دهد و مقدمات تاج گذاری فرح دیبا را بعنوان نایب السلطنه در کنار شوهر تاجگذارش فراهم نماید. اصولا محمد رضا شاه از مجلسهائی که نماینده گان واقعی مردم ولو بتعداد کمی در آنها شرکت داشته باشند ترس دارد. تجربیات تلخ گذشته باو یاد داده اند رسیدت رژیم مشروطیت در ایران که مظهر آن وجود مجلس یا مجالسی است که بدون صحه آنها ولو ظاهری بند و بست های حکومتهای انتصابی شاه را فاقد هر گونه جنبه قانونی میکند و دولتهای خارجی نیز برای تحکیم و قوت قرار دادهای تحمیلی خودتصویب آنها را همواره از طرف مجالس جدا خواستار بوده و میباشند، شاه را وادار بتشکیل مجلس‌های «قانوگذاری» مینماید و گمرنه شاه خود را از درد سر انتخابات و مجالس راحت میشود. شاه برای حل تناقضی که بین حکومت خودسری او و مجلس ها وجود دارد این راه را انتخاب کرده که ماهیت مجلسها را تغییر دهد ولی شکل ظاهری آنها را حفظ نماید تا نه تنها باقدامات ضد ملی خود جنبه قانونی دهد بلکه گناه را بگردن مجالس خود فرموده بگذارد. جالبیکه با این روشها بوجود میآیند طبعاً کمترین اعتباری در نظر مردم ندارند و لذا نمیتوانند مغل حکومت مستبده او باشند.

اعلامیه تشکیلات حزب توده ایران در تهران بدرستی میگوید که: «شاه مانند گذشته برای حفظ و تحکیم پایه های لرزان حکومت پوشالی خود و دستبرد جدید بقانون اساسی دست بتشکیل مجلس مؤسسان زده است تا در این شرایط خفقان که خود فراهم آورده است دایره اختیارات و نفوذ شخصی خویش را بیز هم بیشتر توسعه ... دهد. کمیته مرکزی حزب ما ضمن نامهٔ سر گشاده‌ای بمجلسین شورا وسنا که رونوشت آنرا بدولت ایران نیز ابلاغ کرده اعلام داشت که: «... از هم اکنون انتخابات دوره ۲۲ مجلس شورا - دوره پنجم مجلس سنا وهمچنین انتخاباتی را که باید تحت عنوان مجلس مؤسسان جریان یابد غیر قانونی، مخدوش و عاری از اعتبار میشمارد و کسانی را که به نمایندگی این مجالس تعیین میگردند ولو اینکه از لحاظ شخصی موجه باشند، نماینده گان ملت ایران نمیشناسد.» - صحت این حکم اینك که انتخابات جریان و پایان یافته ونتیجه آن معلوم گردیده بخوبی روشن و واضح است. مردم برای مجالس سگانه ارزش قانونی قائل نیستند و هر گونه تصمیمی را که این مجالس غیر قانونی اتخاذ کنند از درجه اعتبار ساقط و باطل و بی اعتبار میدانند. الهام دهند گان و مجریان این شعبده بازیها را متجاوزین علیه حقوق و قیام کننده گان علیه دمو کراسی و مشروطیت ایران میدانند. امروز بعلت تسلط حکومت زور اجرای این حکم علی خارج از دایره امکان است ولی این حکومت که در بین مردم پایگاهی ندارد بحکم تاریخ حکومتی است ناپایدار و محکوم بزوال. تردیدی نیست که شرایط تغییر آن و برقراری حکومتی ملی و مستقل فراهم خواهد شد.

ا. گویا

دنباله از صفحه ۱

ابوالقاسم لاهوتی

در دوران جنبش مشروطیت ایران لاهوتی با سرودن اشعار متعددی حوادث مختلف آنرا تهنیت گفت. پس از انقلاب مشروطیت لاهوتی با قلم و شمشیر در مبارزه آزادی شرکت جست و سرانجام قیامی را که تحت رهبری او بود وبه قیام «ماژور لاهوتی‌خان» معروف است پس از قیام خیابانی در شهر تبریز برپا داشت. بعد از سر کوب قیام لاهوتی مورد تعقیب قرار گرفت و از سال ۱۹۲۲ باتحاد شوروی مهاجرت کرد و آنجا را بمثابه میهن دوم پذیرفت. دوران زندگی در شوروی دوران گسترش نیرومند فعالیت شاعرانه لاهوتی است که مختصاتی تازه مییابد. وی در این دوران انواع اشعار اجتماعی و غنائی ومنظومه های بزرگ سروده که برخی از آنها در شوروی و در میهن اصلی وی ایران شهرتی سزاوار یافته است. لاهوتی بویژه در تکامل ادبیات تاجیکستان شوروی نقش شایسته ای داشته است. لاهوتی بسبب خدمات برجسته خویش بفرمان نشان لنین و نشانهای دیگر موفق شد و غیر او در دیر «نودیوچچی» آرامگاه مشاهیر شوروی است.

اشعار دل انگیز لاهوتی نام او را در دفتر ادبیات جاویدان ساخته و محبت و احترام همیشگی مردم ایران و شوروی با این نام همراه است و همراه خواهد بود.

صد سال از تولد ستارخان گرد آزادی میگذرد

این زمینه ها نوعی از خود نشان میداد که بارها مورد اعجاب دوست ودشمن قرار گرفت. ستار خان شیدای آزادی و شیفته رهائی ایران بود و در دوران استبداد صغیر که بنظر میرسید همه چیز بسود ارتجاع خانه یافته شعلهٔ امید و نبرد را بر افروخت و آنرا به آتش سوزی بزرگی بدل کرد که سرانجام سلطنت مستبده محمد علیشاه را خاکستر ساخت.

نام ستار و یاران او باقر خان سالارملی و حسین باقیان - افراد ساده ای که از میان مردم برخاسته و مورد تجلیل مردم قرار گرفتند. همیشه نقش ضبر ایرانیان خواهد بود.

نمونه درخشان زندگی ستار که درنبرد با دشمنان آزادی بی امان و جسور بود، به خلق تکیه میگیرد و از او الهام میگرفت برای نسل مجاهد معاصر سرمشق عالی است.

جاوید باد خاطرهٔ سردار و قهرمان ملی گرد آزادی ستار خان!

خشم سیاه

خشم سیاه! بهر حال خشم در همه جا طوفانی و طوفان در همه جا خوفناک است. آخر این خوشه های خشم مدتهاست رسیده‌اند. ولی مستر جانسن باز اطاعت میطلبد، باز بشکیب فرا میخواند، شکفتا، آیا نمیداند برای شکیب آدمیزاد مرزی است؟

شعله و دود از دلارها برمیخیزد، در «دیترویت»، در «نیوآرک»، در «هارلم»، که اشك و عرق آنرا میشوید. چتربازان ارتش فدرال بسیج شده اند و یك بند به پنجره ها و بامها شلیك میکنند. آنها دخترك چهار ساله سیاه «تینا بلندیتگ» را به تخت خواب کوچکش با گلوله دوخته اند. اینك مستر جانسن در دوجا سرگرم است، در «خیابان پنجم» و در «داتاتگ». همه جا دستور چنین است، «از گلوله دریغ نکنید، مهمات بعد کافی است!»

دهها کشته، هزار ها زخمی و دهها هزار زندانی و باز هم مستر جانسن ناراضی است، و باز هم مستر جانسن در تقلا است. او طوفان را به پشت میله ها میفرستد و خشم را با گلوله آتشین میزند. ولی آقای پرزیدنت! طوفان را نمیتوان به پشت میله ها فرستاد و خشم را نمیتوان با گلوله زد.

فرماندار میشیگان گفت، «سیاهان مانند سگهان هارند.» فرماندار نیوجرسی افزود، «سیاهان واندالهای خونخوارند لذا سیاه خوب یعنی سیاه مرده!» ولی سیاهان در پاسخ میگویند، «سیاه زیاست و زیباست سیاه بودن. ما امریکائی ساهیم نه سیاهان امریکائی. کودکان ما با گریه بیدارمیشوند زیرا گرسنه اند و حال آنکه برای سیر کردن آنها پول بسیار کمی لازم است. ما حاضریم به جهنم واصل شویم ولی در زاغه‌ها نخوابیم.» آیا در کاخ سفید کسی نیست که این منطق ساده را درك کند؟

این جامعهٔ میلیاردر ها و کلانکستر ها، این «مخترعین «گریل ها»» و «خونتاها»، این جامعه ایکه رئیس جمهور خود را بیکیفر میکشد و سابقه کسانی که دور تر تف میاندازند بریا میدارد و شمع شوم همه دیوار هائی است که محکوم به فروریختند، این جامعه برای بیماران کلیه های پوشالی ماهیگیر وت نامی کوهها دلار در اختیار دارد ولی برای سیر کردن فرزندان سیاه خود حاضر نیست حتی چند سنت بپردازد!!

اینها فرزندان «عمو توم» هستند یا سرود دردناك خود. تاریخ شکنجه آنها چندین قرنی است، در سواحل می‌سی‌سی‌پی، در کارگاههای آرکانزاس، در کشتزار های آلاباما. این گردآوردگان که سیگار ها و خفاران دائمی درون زباله دانها، این نخستین قربانیان «اوتوماسیون» و «کومپیوتر ها»، این مالکان زاغه هائی که عرصهٔ موشها و آدمهاست...

اینك آوای نیرومند رابسن پیر را بشنوید و بانگ دردناك «ماهالیا جانسن» و یا نوای روشن «هاری بلافونت» را از درون راسته بازار های معطر، از کلبا های خفه و تالارهای نیرنگ کشورها میگویند، «بخلق من راه بدهید!» ولی امریکای سفید مغرور است. میگوئید تا کی باید غرورش را تحمل کرد؟ مگر در پس پوست سیاه قلب سرخ نیست؟

شاید نبرد، نبرد تردید آوری است، ۲۰ میلیون سیاه در برابر ۲۰۰ میلیون سفید، هزارها میلیارد دلار، ارتش فدرال، هنگ «عقابان نعره کش» سیاه کشان حرفه ای و کارشناسان خونسرد «پلکلش»، آنهائی که بچه های سیاه را در «لیتل راك» سوزاندند و کلبا را با نازگران سیاه آتش زدند و «چیز مره دیت» را در مانش خاموش از پس پوته با گلوله از پا درآوردند. ولی همه چیز را با اعداد نمیتوان سنجید، مثلا طغیان را، مبارزه را، عزم رهائی را و سرانجام حقیقت را که از بزرگترین اعداد بزرگتر است.

ای خشم سیاه فرو منشین زیرا معماران «جامعه کبیر» تنها یك زبان میفهمند، زبان طغیان و برای هر کس باید بزبانی سخن گفت که برایش مفهوم است.

ا. س.

دنباله از صفحه ۱

سده پر افتخار «کاپیتال» اثر داهیانه کارل مارکس

و فشری است بعمق پدیده‌ها نفوذ میکند و به ماهیت کالا دست می‌یابد و برآنچه که در مناسبات کالائی در ظاهر بصورت رابطه اشیاء پیروج جلوه‌گر میشود، خط طلائی میکشد و در پس این پرده فریب رابطه میان انسانها را آشکار میسازد. این رابطهٔ استثمارگرانه است. استثمار سرمایه داری زمانی آغاز میشود که نیروی کار انسانی نیز شکل کالا بخود بگیرد. انسان فاقد وسایل تولید نیروی کار خودرا بسرمایه‌دار میفروشد و در قبال ارزش نیروی کار، ثمرهٔ کار خود را که ارزش بیشتر دارد، تحویل سرمایه‌دار میدهد این ارزش بیشتر یا ارزش اضافی منبع سود و سرچشمه وجود سرمایه‌داریست. تولید ارزش اضافی «قانون مطلق» جامعهٔ سرمایه داریست.

این «قانون مطلق» مبین تضاد آشتی ناپذیر میان بهره‌کش و بهره ده، میان سرمایه و کار است. مبارزه میان کارگران و تمام زحمتکشان ازیکسو و سرمایه‌داران وتمام استثمارگران ازسوی دیگر نتیجه منطقی این تضاد بوده و پیروزی حتمی بهره‌ده بر بهره‌کشان پایان این تضاد است و این نیست جز پیروزی سوسیالیسم.

مارکس بدینسان قوانین رشد جامعهٔ سرمایه داری و تضاد های درونی آنرا کشف میکند و ناگزیری محو سرمایه داری و پیروزی سوسیالیسم را بطور علمی به ثبوت میرساند.

علم زمانی بمعنای واقعی کلمه علم است که زندگی صحت و نیروی حیاتی آنرا تأیید کند. درست پنجاه سال پس از انتشار نخستین جلد «کاپیتال» انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر درروسیه تزاری پیروز شد و اکنون که یك قرن از انتشار این اثرمیگذرد ما شاهد پنجاهمین سالگشت سوسیالیسم پیروزمند در اتحاد شوروی هستیم. هم‌اکنون بیش از ۳۵ درصد مردم جهان انقلاب سوسیالیستی را پشت سر دارند. تمام این واقعیات صحت انکار ناپذیر اندیشه‌های علمی مارکس را به ثبوت میرساند. نه توطئه سکوت، نه تحریف و نه شکوك‌ها هیچکدام نتوانستند مانع اشاعهٔ اندیشه های «کاپیتال» در سراسر جهان و مانع تحقق آن در بخش بزرگی از آن گردند.

از زمان انتشار «کاپیتال» تغییرات عظیم در جامعهٔ بشری پدید آمده است. این تغییرات بطور عمده و اساسی در جهتی بوده است که مارکس پیش‌بینی کرده بود. ولی مارکسیسم بمثابه‌آموزش زنده ای که پیوسته باید از واقعیات زندگی الهام گیرد و با نیروی بیشتر بفعالیت آگاهانهٔ انسانها یاری رساند، باید بدریج در راه غنا و تکامل خود بکوشد. در این عرصه نیز باید از شیوهٔ پژوهش مارکس الهام گرفت و با بکار بستن اسلوب دیالکتیك در بررسی پدیده‌ها و واقعیات، از طریق درآمیختن شیوهٔ تجزیه علمی با برخورد مشخص بواقعیات و پدیده ها، از راه حل صحیح رابطهٔ میان سیر منطقی و سیر تاریخی حوادث، بالاخرا از شیوهٔ ذهنی وضعی مبارزه با هرگونه دگماتیسم و رویزیونیسم به تکامل خلاق اندیشه های مارکس پرداخت. این بزرگترین وظیفهٔ دانشگاه «کاپیتال» در شرایط کنونی است.

☆

بمناسبت صدمین سال «کاپیتال» اجلاسیه ای با شرکت احزاب کمونیستی و کارگری جهان در برلن پایتخت جمهوری دموکراتیك آلمان تشکیل شد. رفیق والتر اولبریشت در این جلسه سخنرانی مبسوطی ایراد کرد. هیئت نمایندگی حزب توده ایران نیز در این اجلاسیه بین المللی شرکت داشت.

مسعود

هوشنگ نیساری درگذشت

رفیق هوشنگ نیساری پس از یك بیماری سخت و درمان ناپذیر در بیمارستانی در شهر پراگ در سن سی و نه سالگی درگذشت. رفیق نیساری از اعضاء سازمان افسری حزب تودهٔ ایران بود و پس از کشف این سازمان مدت هفت سال در زندان بسر برد. پس از رهائی از زندان بمهاجرت آمد و چهار سال اخیر زندگی وی در مهاجرت گذشت. در مهاجرت هوشنگ نیساری نمونه یك زندگی با عزت نفس و سرشار از وارستگی را عرضه داشت. روحیه مقاومش در دوران بیماری دشوار احترام پزشکان و پرستاران او را برانگیخته بود. زندگی هوشنگ نیساری از جهت پیگیری درمبارزه و توجه بشایستگی اخلاقی خویش یك زندگی درخورد تحسین است. در یادداشتهائی که از خود باقی گذاشته است روحیه مقاوم وعواطف میهن پرستانه وی تجلی یافته است. پس از درگذشت نیساری دوستان وی از وی تشییع پراحساسی بعمل آوردند.

نام هوشنگ نیساری را دوستان ورفقای وی از خاطر نخواهند زدود. زندگی بر باد رفته او را باید بحساب فداکاریهای بی حساب مردم ایران در راه آزادی و بر ضد رژیم مستبدانه شاه گذاشت.

تظاهرات در امریکا علیه شاه

برگزاری چهارمین کنگره سازمان دانشجویان ایرانی مقیم امریکا مصادف با سفر شاه به امریکا بود. بنا به تصمیم کنگره، قبل از ورود شاه به واشنگتن، بمناسبت تصادف با ۲۸ مرداد دانشجو یان با شعارهای «شاه عامل سیا است»، «سیا شاه را روی کار آورده» تظاهراتی در برابر ساختمان

دنباله در صفحه ۲